



عقلانیت چیست؟

عقلانیت مصدر جعلی «عقل» است که در لغت به معنای فعالیت فکری تحت داوری عقل و پذیرش دستورات عقل است. بر این اساس عقلانی به هر دارنده عقل و یا هرکسی که از عقل بهره می‌گیرد، اطلاق نمی‌گردد، بلکه گردن نهادن به داوری‌های عقل، التزام به دستورات آن در همه حال، شرط عقلانی بودن است.

در اصطلاح، عقلانیت گرایش و روشی است که اندیشمندان رشته‌های مختلف با محور قرار دادن عقل و اختصاص دادن جایگاه خاص به آن در حوزه‌های مختلف هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، فهم و تفسیر وحی... از آن بهره می‌گیرند. این نکته نیز باید توجه گردد که به تناسب تقسیم عقل به عقل نظری و عملی، عقلانیت نیز که اتکا بر عقل و داوری‌های آن و تفسیر نظام‌مند از امور است، به معرفت تنها محدود نمی‌گردد و تنها وصف معرفت نیست بلکه پدیده‌های عام هستی یا حوادث کوچک به همان اندازه که موضوع تحلیل انسان قرار می‌گیرد می‌تواند وصف عقلانی یا غیرعقلانی به خود بگیرد.

اهمیت و پیشینه بحث عقلانیت و دیانت

اهمیت رابطه عقل و دین آن را در صدر مباحث فلسفه دین قرار داده است. با وجودی که ریشه‌های این بحث به صورت جسته و گریخته، از قدمت برخوردار است اما رشد و گسترش آن به زمانی برمی‌گردد که مدرنیته غربی با تکیه بر عقل خودبسنده بشری و محور بخشی تجربه، کلان‌نگاهی را بنیاد نهاد که منابع معرفتی دیگر را با اتهام فقدان اعتبار علمی، از دایره ارج و اعتبار کنار گذاشت.

در واکنش به این رخداد، دین‌داران مسیحی در کل تلاش کردند تا از طریق عقلانی نشان دادن آموزه‌های مسیحی به پاسداری از ایمان مسیحی خویش اقدام



کند. گرچه آنان در تفسیری که از عقلانیت کردند، به دیدگاه مشترکی دست نیافتند. با ظهور پست‌مدرنیسم که به نقد کلان نگاه روشنگری و عقل مدرن پرداخت، برخی سعی کردند دین را با این نگاه، سهم ناچیزی از عقلانیت عطا کند؛ به این معنا که دین برای دین‌داران و در فضای دینی عقلانی است یا حداقل معقول است اما به نظر می‌رسد چنین سهمی نه دین یا شریعت‌های الهی را قانع سازد و نه جایی را برای بحث و ارزیابی عقلانی فراگیر باقی گذارد. ادعاهای دین درباره جهانی است که همه ما به گونه‌ای به آن دست رسی داریم هر چند از جهان مادی برتر است. دین و عقلانیت (فراگیر) حداقل بدون پیامدهای مهلک برای دین نمی‌تواند از هم جدا باشند. همین که دین به قلمرو خاص خود بازگردد و از طرح ادعاهای که در معرض ارزیابی عقلانی‌اند، نگران باشد، دیگر نمی‌تواند ادعا کند که اهمیت عمومی دارد.

جامعه اسلامی نیز با توجه به زمینه دادوستد علمی امروزه جهان که مدیون ارتباطات بی‌مانند است، نتوانسته و نمی‌تواند از پرسش‌ها و چون و چراهای عقلی برخاسته از تفکر مدرن و پس از آن برکنار باشد؛ بخصوص که جامعه اسلامی در عصر حاضر بیشتر مصرف‌کننده است و لذا نیاز مبرم به مطالعه و تأمل و قلم‌فرسایی محققان و نویسندگان در باب رابطه عقلانیت و دیانت به خوبی آشکار می‌گردد.

از سوی دیگر زمانی ناچیز بودن عقلانیت نسبی-که به آن اشاره کردیم- برای دین بیشتر روشن می‌شود که معارف دین اسلام را در خصوص عقل و تأکید بر بهره‌گیری از آن به شکل منصفانه نگاه کنیم و عقلانیت برآمده از آن را به نیکی بررسی کنیم؛ و از طرف دیگر به لحاظ معرفتی وقتی نقدهای واقع‌گرایان را بر نسبی‌گرایی افراطی ملاحظه می‌کنیم، پذیرش این ادعا را که دین هم عقلانیت بسیار ناچیزی برای متدینان دارد، قناعت بخش نمی‌یابیم و به این جهت مطالعه بیشتر در



این زمینه ضرورت می‌یابد تا زوایای عقلانیت عام‌تری را که برای دین‌باور داریم نشان دهیم.

نکته دیگر این است که جهان اسلام و افغانستان به عنوان بخشی از این قلمرو متلاطم، بیش از هر زمانی، نیازمند بازگشت به خرد به عنوان پیامبر درونی است؛ پیامبری که عدم التفات به دستورات آن از سوی انسان مسلمان، دین و پیامبر (ص) بیرونی و سنت گران‌سنگ او را هر روز به فاجعه‌بارترین شکل ممکن به مسلخ می‌برد و به نظر می‌رسد خشونت و تکفیر و ویرانی و بازیچه بودن امروزه مسلمانان، جز با توسل به خرد و دینی که بر خرد و شناخت استوار باشد، پایان‌پذیر نخواهد بود و ابزارهای دیگر بدون تحول در اندیشه کارساز نمی‌تواند باشد. لذا دوستان آفاق ترجیح دادند این شماره آفاق نیز به مبحث عقلانیت و دیانت بپردازند تا زوایای بیشتری این بحث روشن گردد.

سطوح یا انواع عقلانیت مورد نظر

چنان‌که اشاره کردیم عقلانیت از گستره معنایی کم‌نظیر برخوردار است و لذا عقلانیت مورد نظر در سه معنا یا سه مرحله موضوع بحث است:

عقلانیت در مقیاس کلی؛ یعنی شناخت فلسفه زندگی و درک موقعیت انسان در آن و جایگاه ویژه عقل در ساماندهی رابطه انسان با آفریدگار و جهان.

عقلانیت و ارزش‌ها؛ یعنی جایگاه عقل در تنظیم رابط انسان با دیگری و پایه‌گذاری اخلاقیات.

عقلانیت ابزاری؛ نقش عقل در شناخت وسایل تحقق اهداف.

پیداست در همه موارد فوق وقتی صحبت از عقل و نقش آن است، بحث حریم و اندازه عقل نیز مطرح است؛ وقتی حریم عقل مشخص گردید، قلمرو وحی نیز آشکار می‌گردد. این سخن به معنای تقابل این دو نیست. بلکه این سخن به معنای مدد گرفتن عقل از وحی در سه حوزه عقلانیت است.



نکته مهم دیگر در عقلانیت اسلامی، وجود ترتیب منطقی در سه عقلانیت فوق است؛ عقلانیت اسلامی نخست باید پرسش از حیات و نقش انسان و اهداف او را روشن سازد و سپس اخلاقیات را در جهت عقاید و فرهنگ سامان دهد و در نهایت روش‌ها و ابزار تحقق اهداف مادی و معنوی انسان را بشناسد و تأمین کند.

عقلانیت نخست را عقلانیت «بنیادین» نیز نامیده‌اند به این جهت که تنها پس از روشن شدن نگاه انسان به هستی به مدد وحی و جایگاه انسان در آن و اهدافی که در این هستی باید دنبال کند، نوبت به لایه‌های دوم و سوم عقلانیت یعنی عقلانیت ابزاری می‌رسد و عمل منطقی پس از تحقق مرحله نخست فراهم می‌گردد.

آموزه‌های دینی ما با تأکید روی عقل و مترادفات آن و سرزنش اهمال‌کنندگان این سرمایه بزرگ، ایمان و دیانت را در همراهی چنین عقلانیتی توصیه می‌کند و در واقع به طور عمد به همین بنیاد عقلانیت معطوف‌اند.

با تثبیت هسته عقلانیت، مرحله دوم عقلانیت یعنی عقلانیت ارزشی شکل می‌گیرد چه این که شناخت و ارزش در این نگاه جدا از هم نمی‌توانند باشند و عقل و وحی انسان را نسبت به خود و دیگران مسئول می‌سازند. در این نگاه ارزش‌ها از خاستگاه واقعی بهره‌مند خواهند شد و دیگر قراردادهای صرف، شخصی و بی‌پشتوانه‌ای که با فقر الزام روبروست، نخواهند بود. این دو مرحله عقلانیت ما را از مرحله سوم بی‌نیاز نمی‌سازد و آموزه‌های دینی ما بارها اهمیت آن را گوش زد می‌کند، برعکس دو مرحله پیشین، حدود عقلانیت سوم را روشن می‌سازد؛ زیرا نوع نگاه ما به هستی و انسان، ابزار و وسایل مورد استفاده ما را برای تحقق اهداف جهت خواهد بخشید. این نوع عقلانیت همه ابزارهای عاقلانه و مسئولانه را برای دستیابی به هدف می‌سنجد و گزینش می‌کند و کم‌هزینه‌ترین، کوتاه‌ترین، کم‌ریسک‌ترین و انسانی‌ترین راه را برای رسیدن به هدف معرفی می‌کند. طبیعی است گردآوری معلومات کافی، نتیجه‌گیری درست، تجربه‌اندوزی و بهره‌مندی از



تجارب دیگران، نظم، مشورت و مطالعه همه‌جانبه یک عمل...در ذیل این عقلانیت قرار می‌گیرد.

این شماره مجله آفاق که با تأخیر به دست خوانندگان عزیز قرار می‌گیرد، با محورهای فوق مطالبی را با علاقه‌مندان و فرهیختگان در میان می‌گذارد و امیدوار است دانشوران و دردمندان با ابراز نظر و ارزیابی نوشته‌ها و ادعاها، بر غنای مجله خود بیفزایند و دوستانشان را در تأمل، مطالعه و نگارش، تشویق کنند و انگیزه بخشند.

سردبیر